

تطبیقی در فقه سیاسی اهل سنت و امامیه

سمیه سجادی نجف آبادی^۱، زهرا سادات سیدصالحی^۲

^۱ سطح سه حوزه علمیه فقه و اصول از مرکز تخصصی فقه و اصول النفیسه

^۲ سطح سه حوزه علمیه فقه و اصول مرکز آموزشهای غیر حضوری حوزه علمیه خواهران، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه پیام نور

کاشان

چکیده

شیعه و سنی دو فرقه از مذاهب مسلمانان هستند که معتقد به مکتب وحیانی اسلام به عنوان طرح هادی و نقشه راهبردی تأسیس، ساماندهی و اداره امت، دولت و نظام اسلامی هستند. هر دو مذهب شیعه و سنی اقامه مکتب دینی و سیاسی کامل و برتر یا فاضله را که حاوی نظریه سیاسی و نظام سیاسی کارآمد است ضروری، مفید و عملی دانسته و اجرا و پیاده کردن آن را رسالت خویش می دانند. شیعه بر اساس صریح قرآنی «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» مدعی اکمال و اتمام مکتب مدنی اسلام است نظریه اصول متناهی در قبال مسائل نامتناهی یا نظریه اکمال نص و ضرورت امامت به عنوان مفسر، عالم و عامل وحی، اساس نظریه فقهی سیاسی شیعه می باشد. در مقابل، اهل سنت با عدم اهتمام به امامت به عنوان رکن دوم مکتب در فقه سیاسی خویش، حتی با طرح نظریه تناهی احکام در مقابل مسائل نامتناهی، نقض نص و نارسایی مکتب را به عنوان طرح هادی تداعی می کنند. تلقی اجتهاد به عنوان بدل و جایگزین نقص یعنی مکمل نص نیز بر این تلقی و تداعی دامن زده است. این موضوع سبب آسیب های دینی و سیاسی جدی و جبران ناپذیر گشته و ساز و کارهای همچون قیاس، استصلاح، استصواب و استحسان نه تنها مشکل را کاهش نداده بلکه بردامنه هرج و مرج فقهی افزوده است؛ هرج و مرجی که سبب انسداد باب اجتهاد فقهی در جهان اهل سنت و فتح مجدد آن بدون اصلاح بنیادین اشکالات فوق شده است.

واژه‌های کلیدی: فقه، سیاست، نص، استحسان، مصالح مرسله، سدذرایع

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۲۴-۳۸